



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۱/۲۶

غلام دستگیر برومند

## "یکی مرد جنگی به از صد هزار!"

تا قبل از تجاوز اتحاد شوروی سابق بر افغانستان، فساد اداری و ارتشاء در کشور ما بسیار کم و محدود بود. حتی اگر رشوه ستانی در اینجا و یا آنجا در دوائر دولتی صورت می گرفت، از انظار مردم نمان و مقدار آن هم نا چیز شمرده می شد. شاید در گمرکات مملکت و بعضی وزارت خانه ها، ارتشاء در حد نسبتاً بالاتری قرار داشته بوده باشد، لکن تعداد آنها نیز محدود بود. در مجموع مردم و دولت از فساد اداری و ارتشاء به جان نیامده بودند و این کار نهایت شرم آور پنداشته می شد و مفسد هیچگاهی با سربلند در مقابل کسیکه از وی رشوه اخذ کرده بود، قرار گرفته نمی توانست. از غضب دارائیهای عامه و زمینهای دولتی و ثروتهای ملی خبری نبود و کسی اجازه نداشت که آهنگ جان، مال و ناموس مردم کند. و اگر جنایتهای ازین قبیل رخ می داد، به یک زمان و یک محل محدود می شد و همه ساحات زندگانی مردم را در نمی وردید.

با کودتای منحوس ثور و تجاوز اتحاد شوروی سابق بر افغانستان، شاید در آغاز فساد و رشوه کمتر شده باشد، لکن قتل و خونریزی و کشتار مردم به اوج بی سابقه در تاریخ این کشور رسید. زندانها لبریز از بیگناهان شد و قتل ها و گور های دسته جمعی افزایش یافت. در نتیجه جنگ برخاسته از آن، تمامی ساختار های اقتصادی و اجتماعی کشور نابود گردیده، بیشتر از یک میلیون باشندگان این سرزمین به شهادت رسید و وطن ما به میدان جنگ نیابتی کشور های دور و نزدیک تبدیل شد که آتش آن تا هنوز خاموش نگردیده.

با رویکار آمدن حکومت مجاهدین، چور و چپاول دارائیهای مردم و دولت و اخاذیهای نا مشروع، جنگ و کشتار، سرخط سیاست شوم آنها را تشکیل می داد. جنگ برای احراز قدرت و ایجاد حکومت ملوک الطوائفی، چور و چپاول دارائیهای مردم و دولت و غضب زمینهای دولتی، به یغما بردن اردوی ملی و فروش اسلحه آن به پاکستان و تجاوز به مال و جان و ناموس مردم چهره واقعی اسلام سیاسی را رونما ساخت.

با تجاوز امریکا و ناتو در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ بر افغانستان و با نصب یک انسان ضعیف النفس و بی مقدار بنام حامد کرزی در رأس یک دولت دست نشانده که همه صلاحیتهای آن به دست آقای خلیلزاد نماینده خاص بوش رئیس جمهور امریکا بود، اوضاع دگرگون شد. جنگسالارانی که قبلاً از ترس طالبان فرار کرده بودند، مانند ملا مجددی به دتمارک، ملا سیاف به عربستان سعودی، ملا ربانی و داکتر عبدالله به کانادا، قسیم فهیم به تاجکستان، ضیاء مسعود و ملا قانونی به انگلستان، ملا خلیلی و ملا تورن اسمعیل به اصطلاح امیر حوزه جنوبغرب به ایران و سایرین، باز گشتند و به دور خلیلزاد حلقه زده و به رقص و شادمانی پرداختند. حالا دیگر زمینه چور و چپاول و دزد و غارت، ارتشاء و تجاوز به مال و جان مردم و دارائیهای عامه و پولهای کمکی به بهترین وجه مساعد گردیده بود. جنگسالاران در مجموع، مخصوصاً جنگسالاران ائتلاف شمال که در رأس آن شوروی نظار قرار دارد، در سایه استعمار، فعالان مایشاء و بز بھادران و قلدران لجام گسیخته و خود مختار مملکت بی صاحب افغانستان گردیدند. در

نتیجه هر آنچه دل شان خواست، همان کردند و میلیارد ها دالر پولهای کمکی را ربودند. از ذکر جنایات این جنگسالاران و نکتائی پوشانی که برای دزدی و غارت از خارج به افغانستان رفته بودند، قلم شرم دارد. در یک کلام در دوره طولانی حکومت حامد کرزی خیانت و جنایت، دزدی و غارت، زورگوئی، ارتشاء و فساد نهادینه شد که نتیجه آن در فساد و فقر گسترده امروز دیده می شود.

در دوره حکومت دوسره غنی و عبدالله شدت این جنایات و خیانات اندکی بطی گردید. لکن ازینکه در گرد عبدالله جنگسالاران و در گرد آقای غنی نکتائی پوشان سارق، حلقه زده بودند، هنوز هم مکتبهای خیالی، کندکهای خیالی و فساد اداری و دزدی و غارت دوام داشت.

با انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۸ و یک سره شدن حکومت، اصلاحات زیربنائی اقتصادی و اجتماعی آغاز گردید. اشرف غنی و تیم همکاران اش مجدانه سعی داشتند تا به منظور برون رفت از این همه نا بسامانیها، اصلاحات زیر بنائی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در جامعه عملی گردانند، اما زلمی خلیل زاد و سفارت امریکا در کابل در تبانی با داکتر عبدالله بوسیله همه این دزدان، قاچاقبران، مفسدان و جنگسالاران در برابر این اصلاحات قرار گرفته و پیوسته در پی تخریب این زیرساختها استند. از جانب دیگر با مشروعیت دهی و تشجیع طالبان، سعی دارند تا از طریق انفجارات، راکت پراپها، قتل و کشتار مردم و حملات نظامی درد سر های متداوم برای دولت ایجاد کنند و به این ترتیب جلو ثبات در کشور را بگیرند.

اگر چه خشونتها و قتلهای عام طالبان، شیوع وایروس کرونا و توطئه های مخالفین دولت، اقدامات اصلاحی حکومت را تا اندازه ای محدود کرد، لکن با تفویض صلاحیتها به معاون اول ریاست جمهوری، آقای امرالله صالح، برای واپس گیری زمینهای غضب شده دولتی، تأمین امنیت و بسی مسائل دیگر، امید هائی در دل مردم جوانه زده است. آقای صالح در مدت کوتاهی توانست تا هزاران جریب زمین غضب شده دولتی را باز گرداند. او نیروهای امنیتی را چنان سامان داد که توانست پوز طالبان را که گوشهای شان بعد از باخت ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، لم شده بود، به خاک بمالد. آقای صالح توانست که عده ای از زورگویان و قلدران را سر جای شان بنشانند و حدود یک هزار جنایتکار را دستگیر کند که این سلسله دوام دارد. او دوسیه ضحیم اختلاس معلم عطا محمد نور در بندر حیرتان را روی دست گرفته و به زورگویان اخطار داده. آقای صالح از ساخت و ساز بلند منزل های غیر قانونی توسط زورمندان جلوگیری کرده، قانون گریزها را به پنجه قانون می سپارد و صدها اصلاحات دیگر را در نظر دارد. فعالیتهای آقای صالح متجلی آرزوهای دیرین مردم افغانستان است که باید از آن قدردانی شود.

به منتقدین آقای صالح باید گفت که علاوه بر داعشیان و طالبان بیشتر از صد سازمان تروریستی که از خارج، مخصوصاً از پاکستان، صادر شده اند، در کشور ما فعالیت دارند. علاوه بر این جنگسالاران، زورمندان و قلدرانی که از قدرت افتیده اند، نیز برای مقاصد خود بر ضد مردم و دولت افغانستان می جنگند. حزب اسلامی گلبدین در پیدا و خفا با اسلام سیاسی بین المللی، مخصوصاً با پاکستان بر ضد مردم و دولت افغانستان توطئه می کند. ارتجاع داخلی با تمام قوا در همپیمانی با طالبان بر ضد مردم و دولت افغانستان می رزمد. طالبان که پیهم شکست خورده می روند، چنان هار شده اند که از تمامی امکانات خود استفاده می کنند، چنانکه به تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۲۰۲۰ کورکورانه ۲۳ راکت به نقاط مختلف کابل پرتاب کردند که باعث شهادت ۸ تن و زخمی شدن ۳۱ تن از باشندگان بیگناه این شهر گردید. همچنین به تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۲۰ توسط طالبان در بامیان دو انفجار صورت گرفت که موجب قتل ۱۴ تن و زخمی شدن ۵۰ تن شد. بر علاوه صدها جانی و فساد پیشه دیگر نیز مصروف ویرانگری و خرابکاری در کشور و در جامعه دست به کار اند.

در چنین اوضاع و احوال تبلیغات ضد دولت افغانستان، مخصوصاً علیه امرالله صالح، در حقیقت دادن چراغ سبز به طالبان است. گذشته ازین چنین تبلیغاتی ره به جایی نمی برد، زیرا امرالله صالح که به مردم تکیه دارد، در صدد پیاده کردن آرمانهای دیرین مردم است. با حفظ اینکه تعداد مخالفین و ویرانکاران، چنانکه در بالا تذکر داده شد، فراوان است، ولی با آنهم موفقیتهای آقای صالح در این مدت کم چشمگیر می باشد. مردم چه خوب گفته اند: "یکی مرد جنگی، به از صد هزار!" نویسنده بدین باور است که اصلاحات و تدابیر آقای صالح به خیر و فلاح مردم افغانستان بوده و قابل تقدیر است. ازینرو از همه آنانیکه به آینده مملکت خوشبین اند تقاضا به عمل می آورد تا از اقدامات خیر خواهانه آقای صالح در هر کجایی که می توانند، پشتیبانی نمایند.

پایان